

مداخله نظامی آمریکا

بدون تحقق خواستهای زحمتکشان مبارزه ضدامپریالیستی ریشه‌ای نخواهد بود

پس از قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۷۷ توده‌های زحمتکش خلق، امید داشتند که خواستهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب که بخاطر آنها دهها هزار نفر جان خود را فدا کرده بودند تحقق یابد.

گرچه بخاطر درهم‌پاشیدن سازمانهای سرکوب رژیم شاه بدست نیروهای انقلابی توده‌های زحمتکش چندصداحی‌ها را آزادی پدید آمد، ولی خرد بورژوازی تنگ نظر سنتی که رهبری انقلاب را به دلیل مشخص تاریخی به چنگ آورده بود همراه با بخش عقب افتاده بورژوازی لیبرال که نقش شریف معامله را بازی میکرد با استفاده از ارگانهای قدرت خود در راه آن شورای انقلاب و دولت موقت، به محدود کردن گام‌های آزادی‌های بدست آمده مردم همت گماشتند و نشان دادند که ما بلندپروانه نمیتواند نفوذ امپریالیسم و در راه آن امپریالیسم آمریکا را از ایران ریشه‌کن سازند.

گوش غاصبین قدرت به شعار توده‌های جان‌بکف مردم که در هنگام متلاشی کردن رژیم شاه فریاد میزدند "بعدها شاه نوبت آمریکا است" بدهکار نبود. هنگامیکه در روزهای پس از قیام سفارت آمریکا بوسیله انقلابیون مسلح تسخیر شد، تدریجاً در خشکی بنا به این عمل را ضد انقلابی خواندند و از سولیون، سفیر آمریکا که دستش بخون مردم هندوچین آلوده بود در ماههای آخر حکومت شاه خائن گرداننده اصلی کشتارهای شاهانه بود، عذر خواهی کردند.

سیر جریان‌ها پس از آن نشان داد که نگرانی بعضی از محافظت آمریکا با بابت قطع نفوذ و از دست دادن منافعی که در ایران بی‌مورد بود گم شدن اسناد جاسوسی و روابط رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا از سفارت ایران در آمریکا مذاکرات شهریار روحانی، نماینده امام در آمریکا با ونس وزیر خارجه آمریکا که پس از آن کارتر اظهار خوشنودی و امیدواری کرده است جدید حتمی ممکن است در پیمانهای امنیتی منطقه شرکت کند، حملات مقامهای مذهبی و غیره - مذهبی رژیم ایران علیه دولت فدا آمریکا یعنی افغانستان و پشتیبانی از نیروهای ارتجاعی ضد دولتی افغانستان که متکی به مالکان بزرگ

بوده و در پاکستان بوسیله مأمورین جاسوسی آمریکا تعلیم میدیدند و فرستادن معاونت اموران انقلاب "چمران" برای شرکت در کنفرانس ارتجاعیون "مسلمان" افغانستان در پیشاور نشان‌هایی از حرکت در جهت خط آمریکا بود.

روابط حسنه با سلطان عمان که بوسیله ارتش شاهنشاهی ایران توانسته بود جنبش انقلاب بیون عمان را سرکوب کند و نیز ژنرال ضیاء الحق رئیس جمهور کودتای پاکستان که در قضا به خلق فلسطین در سپتامبر ۱۹۷۰ شرکت داشت و اکنون بنام اسلام حکومتی فاشیستی را مستقر کرده است، و بطور کلی سیاست ایسران در خلیج فارس، بجزای آمریکا جای نگرانی باقی نگذاشته بود.

عدم افشای قراردادهای سری نظامی، جاسوسی، اقتصادی و سیاسی آمریکا و رژیم شاه، عدم افشای اسامی مأمورین سیا، آزاد ساختن مأمورین ساواک این دست - پروردگان سازمان جاسوسی آمریکا همه دلایلی بود که آقای کارتر نمیتوانست آورده بخواند که علیرغم شعارهای ضد امپریالیستی، اوضاع در این منطقه امن و امان است.

افزایش فعالیت‌های جاسوسی آمریکا و پیدا شدن دوباره سرکله مستشاران آمریکا در ایران برای بررسی احتیاجات نظامی ایران با شکنجه مبارزین چون زندانی رژیم شاه و مجاهد خلق، سعادت در کمیته پشت سفارت آمریکا توسط متخصصین فن به جرم کوشش در افشای نام جاسوسان آمریکا، تجدید قرارداد چند میلیدالاری نظامی با آمریکا، ادامه تحصیلات نظامی (جاسوسی) بیش از ۲۴۵ نفر از دانشجویان افسری در آمریکا و ... با زهم گوشه‌هایی از این روابط حسنه قدرت حاکم و امپریالیسم آمریکا است.

آیا سفر شاه به آمریکا و نفرت عظیم و بی‌حق رهبران به این جنایتکار خائن سبب خشم ضد آمریکا گیشان گردید؟ اگر چنین است پس چرا عضو شورای انقلاب و سرپرست محبوب صداوسیما جمهوری اسلامی کسسه

اکنون چون لیل در افشای آمریکا داد سخن میدهد، حتی حاضر نشد اعلامیه سندیکای کارکنان صنایع نفت را که طی آن امپریالیسم آمریکا را تهدید میکرد که انارشاه مخلوع را برای محاکمه به ایران تحویل بدهد جریان نفت را به آمریکا قطع خواهند کرد، در صداوسیما جمهوری اسلامی بخوانند و طبق معمول این نامه را هم به زیر گویوتین سانور سپرد.

امپریالیسم آمریکا گرچه از روابط حسنه خود با جمهوری اسلامی خوشنود بود و از تبلیغات ضد کمونیستی قدرت حاکم لذت میبرد، اما میدانست که در دراز مدت دید عقب‌گرایانه موجود با منافع سرمایه‌داری انحصاری در تضاد بوده و نیز علیرغم فواید تبلیغات ضد کمونیستی در کوتاه مدت ادامه سلطه خرد بورژوازی -

کفایت و تنگ نظر خود زمینه را برای رشد کمونیسم فراهم می‌نماید. از اینرو امپریالیسم آمریکا از حرکت لیبرال‌ها برای در دست گرفتن قدرت سیاسی استقبال میکرد و در عین حال به جمع آوری مهره‌های لازم برای یک کودتا در فرصت مناسب می‌پرداخت.

با این ترتیب ایجاد ناگهانی کارزار ضد امپریالیسم آمریکا را در رابطه با پیشگیری از به قدرت رسیدن رقبای لیبرال بورژوازی و در ارتباط با آن ناراحتی از تقلیل پایه توده‌ای و نگرانی از عدم استقبال توده مردم از مصوبات ارتجاعی مجلس "خبرگان" میتوا دید. و بلاخره خرد بورژوازی حاکم امید دارد سلاح مبارزه ضد امپریالیسم را از دست نیروهای مترقی بگیرد و در واقع بایک تیر سه نشان بزند ولی علیرغم همه عوام‌فریبی‌های قدرت حاکم، مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران، نه ماه پس از پیروزی قیام، وارد مرحله جدید شده است. تمام کوششهای ارتجاع داخلی، برای لگام زدن به سمت مبارزات توده‌های ستم کشیده جهت مبارزه - ای قاطع علیه امپریالیسم جهانی، امروز مواجه با این است شده است اما این بن بست نشان پایان این کوششها نیست. ارتجاع هنوز می‌کوشد که با هر چه در توان دارد، این مبارزه را منحرف و خالی از محتوی گرداند و از

طرق مختلف کار این جدال تاریخی را به سازش منتهی کردند. کما اینکه در طول نه ماه گذشته با توسل به شیوه های گوناگون تخمیق ناحدی غیر قابل تصور، موفق شده که قیام بکیارچه مردم را علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی از مضمون تهی سازد.

آنچه که امروز مقابل ماست، بر خلاف ادعای کارگزاران رژیم، نه محصول اراده یک فرد است و نه حاصل همت گروهی کوچک بلکه، ناشی از خصلت های اساسی و مضمون واقعی قیام مردم ما است.

اگر امروز، رهبران میکوشند که حرکت مردم علیه حاکمیت امپریالیسم امریکارا، حرکتی باراده "رهبری" در اذهان توده ها جایگزین نمایند، بظلمت رفته اند که این، اگر از سر عوام فریبی باشد خیانت نام دارد و اگر از سر نابخردی، حماقت، برعکس، مسامحه و تردیدهای ماهوی قدرت حاکم در اتخاذ سیاستی قاطع در قبال توطئه های عوامل وابسته به امپریالیسم و نرمش در مقابل همه تجاوزات و دسائس آشکارا امپریالیسم امریکا طی ۹ ماه زمامداری سردمداران کنونی، باعث شده است که امروز زحمتکشان بهایی بمراتب سنگین تر از پیش برای قطع وابستگی به امپریالیسم بپردازند مجال و فرصت های گرانبهای از دست داده شده توسط رهبران، چیزی نیست که بتوان آنرا در موجی از اتهام و فحاشی ریاکارانه به نیروهای واقعی ضد امپریالیست، پنهان ساخت. بر هیچکس پوشیده نیست که درست در شرایطی که می شد با قاطعیت، با تسخیر کلیه مواضع سیاسی اقتصادی نظامی امپریالیسم در ایران، شرایط زوال مناسبات جابرانه پیشین را متحقق و از توطئه های آشکار و پنهان آن علیه قیام مردم جلوگیری کرد بسیاری از همین رهبران و منادیان "ضد امپریالیست" امروز، ترجیح دادند که ارادۀ ضد امپریالیستی مردم را که میرفت، در هم له او ان پیروزی، به این امر مهم دست یازد، سرکوب نمایند. و هنوز نیز می بینیم که همین سردمداران، علیرغم زشت های عوام فریبانه شان، چگونه از معادله سرمایه ها و لغو قراردادهای اقتصادی - نظامی بسا دول امپریالیستی سرباز میزنند و می بینیم که چطور هنوز با حفظ این سرمایه ها و قراردادهای، تلویحا، ابواب "مراوده مجدد" و "اشتی دوباره" را تدارک می بینند و از اینروست که امپریالیسم امریکا، با خواندن دست حریف خود، ابتکار عمل را تا کنون بدست گرفته است. مانور

های دیپلماتیک امریکا در سطح جهان و محاصره اقتصادی ایران و ترغیب کشورهای صنعتی جهت تبعیت از سیاست محاصره اقتصادی ایران، و بالاخره، تهدید به مداخله نظامی همه و همه گوش های امپریالیسم امریکا برای فتح مجدد سنگرهای حاکمیت خود در ایران است که امروز بمخاطره افتاده است. حضور ناوگان دریایی امریکا در تنگه هرمز میتواند بخشی از توطئه امپریالیسم، در رابطه با محاصره اقتصادی ایران باشد. بدین معنی که امریکا احتمالا میکوشد با بستن تنگه هرمز بروی کشتی هایی که بقصد بنادر ایران در حرکت و یا از بنادر ایران باریگری کرده اند، حلقه محاصره اقتصادی ایران را تنگ و تنگ تر نماید.

ما با آنکه اقدام رژیم را امیل نمی دانیم و اعتقاد نداریم که ماهیت شوروی انقلابی که عملکرد غیر انقلابی و مصوبات ارتجاعی ۹ ماهه آن در برابر چشمانمان قرار دارد، به آن اجازه نمیدهد مبارزه جدی ضد امپریالیستی بنماید، بوجود آمدن جو ضد امپریالیستی کنونی را علیرغم خواست قدرت حاکم بنفع نیروهای انقلابی ارزیابی میکنیم. و بهمانگونه که در جنگ اکتبر ۳۳، با وقوف کامل به این امر، بالیس با تاکتیک "جنگ محدود" کوشش داشت مرتجعینی چون سادات و حافظ اسد در "فهرمان" سازد، و در این تاکتیک، پرستیژ و حیثیت خلق فلسطین، با بیشرمی کامل بوسیله امپریالیسم، صهیونیسم و مرتجعین عرب به بازی گرفته شده بود، در جنگ میان اعراب و اسرائیل شرکت نمودیم. امروز در ایران نیز با اعتقاد به مبارزه ای قاطع علیه امپریالیسم جهانی، در صورت مداخله نظامی امریکا در ایران، بدون جدا ساختن مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه علیه ارتجاع داخلی، علیه تجاوزات امپریالیسم امریکا، بمقابله برخوایم خاست و باتمام فوادر این نبرد تاریخ ساز شرکت خواهیم نمود ما اعتقاد داریم که ریشه کن کردن امپریالیسم جهانی و درراس آن امپریالیسم امریکا بدون تحقق خواست های دمکراتیک زحمتکشان و نابودی استثمالمکن نیست ولی ایجاد جو ضد امپریالیستی موجود هرچه بیشتر بتوده ها ماهیت رهبری کنونی را نشان خواهد داد و در عمل روشن خواهد شد که با وجود چنین رهبری اگر هم سروصدای ضد امپریالیستی با عمل نوام شود تنها ناشی از فشار توده ایست و نیروهای انقلابی میتوانند با طرح خواسته های عمیقاً ضد امپریالیستی هرچه بیشتر قدرت حاکم را

افشا کرده، آگاهی توده ها را افزایش دهند و از طرف دیگر از سوء استفاده خرده بورژوازی حاکم از هیجان توده های برای تحمیل قوانین ارتجاعی مجلس خبرگان جلوگیری نمایند.

نمی توان ضد امپریالیست بود ولی توان - نینی تصویب کرد که در جهت تحکیم سرمایه - داری باشد و کارگران را به بند کشد، زنان را بعبقبرد و حقوق خلقها را نادیده گرفت و ارگانهای سرکوب را بر توده ها مسلط گرداند، آزادیهای بدست آمده در انقلاب را که خونهای دهها هزار کشته است از آن ها بگیرد و بالاخره بنام ولایت فقیه همچون قبل از انقلاب و در لباس تازه بکنفر رابر سرنوشت ۳۵ میلیون مسلمانان بگذراند.

مبارزات ضد امپریالیستی را تعمیق بخشیم و از تحمیل توده ها جلوگیری کرده و برای تحقق خواسته های ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و ضد استعماری انقلاب مردم تشکیل مجلس موسسان را طلب کنیم. ما برای تداوم مبارزه علیه امپریالیسم خواستاریم که:

- همه قراردادهای سری با امپریالیستها و درراس آن امپریالیسم امریکا افشاء و همراه با قراردادهای عیان امپریالیستی لغو گردد.
- کنترل واقعی تولید و فروش و صدور و توزیع نفت از دست تراستها خارج شود.
- مستشاران نظامی از ایران بسیرای همیشه اخراج شوند.
- اسامی جاسوسان امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم امریکا و ما مورین ساواک و رابطه ساواک و سازمانهای جاسوسی امپریالیسم افشاء گردد.
- عاملین سرکوب خلق کرد و نیروهای مترقی و ضد امپریالیست محاکمه شوند.
- شوراهای واقعی زحمتکشان تشکیل گردد.
- آزادی عقیده، بیان و مطبوعات تامین شود.
- برای ادامه و تحکیم مبارزه ضد امپریالیستی مصوبات مجلس خبرگان بدور ریخته شود.
- مجلس موسسان تشکیل گردد.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
پیروزی باد مبارزات ضد امپریالیستی و صدارتجاعی خلق های قهرمان ایران